

تحولات اجتماعی، اقتصادی و چالش‌های نواحی روستایی (مورد: فومنات، گیلان)

دکتر حسن افراخته

دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت معلم تهران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده:

تحولات اجتماعی، اقتصادی اثرات مهمی در نواحی و زندگی روستایی دارد. این اثرات بر حسب ویژگی‌های محیطی، سیستم اقتصادی و نهادهای اجتماعی متفاوت بوده، گاهی نقشی مثبت در زندگی روستایی ایفا می‌کند و زمانی منشأ چالش‌ها و تعارضاتی در نواحی روستایی هستند. در این مقاله چالش‌هایی که در اثر تحولات اجتماعی، اقتصادی در ناحیه روستایی فومنات در غرب گیلان بروز کرده، مورد بررسی قرار گرفته است.

داده‌های مورد نیاز تحقیق مبتنی بر بررسی اسنادی و مطالعه میدانی بوده است. داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس "تحلیل مؤلفه‌های اصلی" مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و درجه برخورداری روستاهای مختلف ناحیه را محاسبه کرده است.

نتیجه نشان می‌دهد که تحولات اجتماعی، اقتصادی اخیر روستاها را با چالش‌ها و تعارضاتی مواجه ساخته است. در پایان این چالش‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نواحی روستایی، فومنات، تغییرات اجتماعی، اقتصادی، چالش‌ها.

مقدمه:

تحولات اجتماعی، اقتصادی اثرات مهمی در نواحی و زندگی روستایی دارد. این اثرات برحسب ویژگی‌های محیطی، سیستم اقتصادی و نهادهای اجتماعی متفاوت بوده، گاهی نقشی مثبت در زندگی روستایی ایفا می‌کند و زمانی منشأ چالش‌ها و تعارضاتی در نواحی روستایی هستند. بررسی چالش‌هایی که در اثر تحولات اجتماعی، اقتصادی در نواحی روستایی بروز می‌کند هدف اصلی مقاله حاضر می‌باشد. این فرضیه در ناحیه روستایی فومنات در غرب گیلان مورد بررسی قرار می‌گیرد. ناحیه در ساحل جنوب غربی دریای خزر متشکل از دو بخش جلگه‌ای و کوهستانی است. اساس اقتصاد زندگی روستایی را فعالیت‌های زراعی تشکیل می‌دهد. در سال‌های اخیر ناحیه تحولات اجتماعی، اقتصادی عمیقی را از نظر تحولات فضای، کشاورزی، صنعت، خدمات، جمعیت و شهرنشینی پشت سر گذاشته است (عظیمی دوبخشری، ۱۳۸۱: ۲۸۸-۱۴۹). در نتیجه این تحولات زندگی روستایی ناحیه با چالش‌هایی مواجه شده است.

تحقیق با تکیه بر داده‌های میدانی و اسنادی ابتدا برخی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی موجود ناحیه روستایی را در راستای هدف تحقیق بررسی می‌کند. آنگاه چالش‌ها و تعارضاتی را که زندگی روستایی در اثر تحولات اجتماعی، اقتصادی با آن مواجه شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در پایان برخی نقطه نظرهای اصلاحی پیشنهاد می‌شود.

۱- پیشینه مطالعه:

ناحیه مورد مطالعه به دلیل اهمیت تاریخی و سیاسی خود به‌ویژه در قرون اخیر توجه محققان داخلی و خارجی را به خود معطوف داشته است. وضع جغرافیایی ناحیه، نوع زندگی مردم، ارتباطات و نقش اقتصادی، اجتماعی ناحیه به کرات توسط محققان داخلی و مستشرقین خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. مشخص‌ترین تحقیق در این زمینه رساله دکتری مارسل بازن محقق فرانسوی است که در سال‌های اوایل دهه ۶۰-۵۰ به‌طور جامعی با دید مردم شناختی زندگی روستایی ناحیه تالش را بررسی کرده است. این رساله که به فارسی ترجمه شده است (بازن: ۱۳۶۸) مشخصات طبیعی ناحیه و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی زندگی روستایی را در سطحی کلی بررسی کرده است.

در یکی از بررسی‌های مزبور به‌طور کلی ویژگی‌های کشاورزی ناحیه گیلان در سال ۱۳۷۴ مورد بررسی قرار گرفته و مشکلات کشاورزی از نظر محدودیت زمین زراعی، مصرف سموم مختلف و رشد شهرنشینی مطالعه شده است که در بخش‌هایی از مطالعه به مواردی از موضوع خاص این تحقیق به طور اعم در سطح گیلان اشاره‌ای گذرا شده است (رهنمایی، ۱۳۷۴: ۱۷۰-۱۱۱) بنابراین تا آن‌جا که نگارنده مطلع است چنین تحقیقی تاکنون به طور خاص در ناحیه صورت نگرفته است. مطالعه میدانی در سطح دهات نمونه و بررسی آماری تعارضاتی که جامعه روستایی با آن مواجه

می‌باشد، تحلیل عوامل و عواقب آن از وجوه تمایز مطالعه حاضر با تحقیقات پیشین می‌باشد.

۲- مبانی نظری:

تحولات اجتماعی و اقتصادی اثرات مهمی در نواحی و زندگی روستایی دارند. این اثرات می‌تواند برحسب شرایط محیطی، سیستم‌های اقتصادی و نهادهای اجتماعی متفاوت باشد. گاهی تحولات مزبور، نقش مثبتی در زندگی نواحی روستایی ایفا می‌کنند اما زمانی موجب بروز تعارضاتی در نواحی روستایی می‌شوند (<http://aesop2005.tuwien.ac.at>).

شرایط محیط طبیعی مثل تنوع شکل ناهمواری، اقلیم و منابع آب نقش خود را با نظمی کامل در تکوین و تطور منظر طبیعی و زیستی بر جای می‌گذارد. عرصه‌های روستایی به‌عنوان یک واقعیت مکانی- فضایی، برآیندی از تعامل مؤلفه‌های متفاوت اکولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی است. از این رو در کشور ما برنامه‌های توسعه روستایی طی دهه‌های اخیر به نوعی به قطبی شدن آبادی‌ها انجامیده است (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۳: ۴۷).

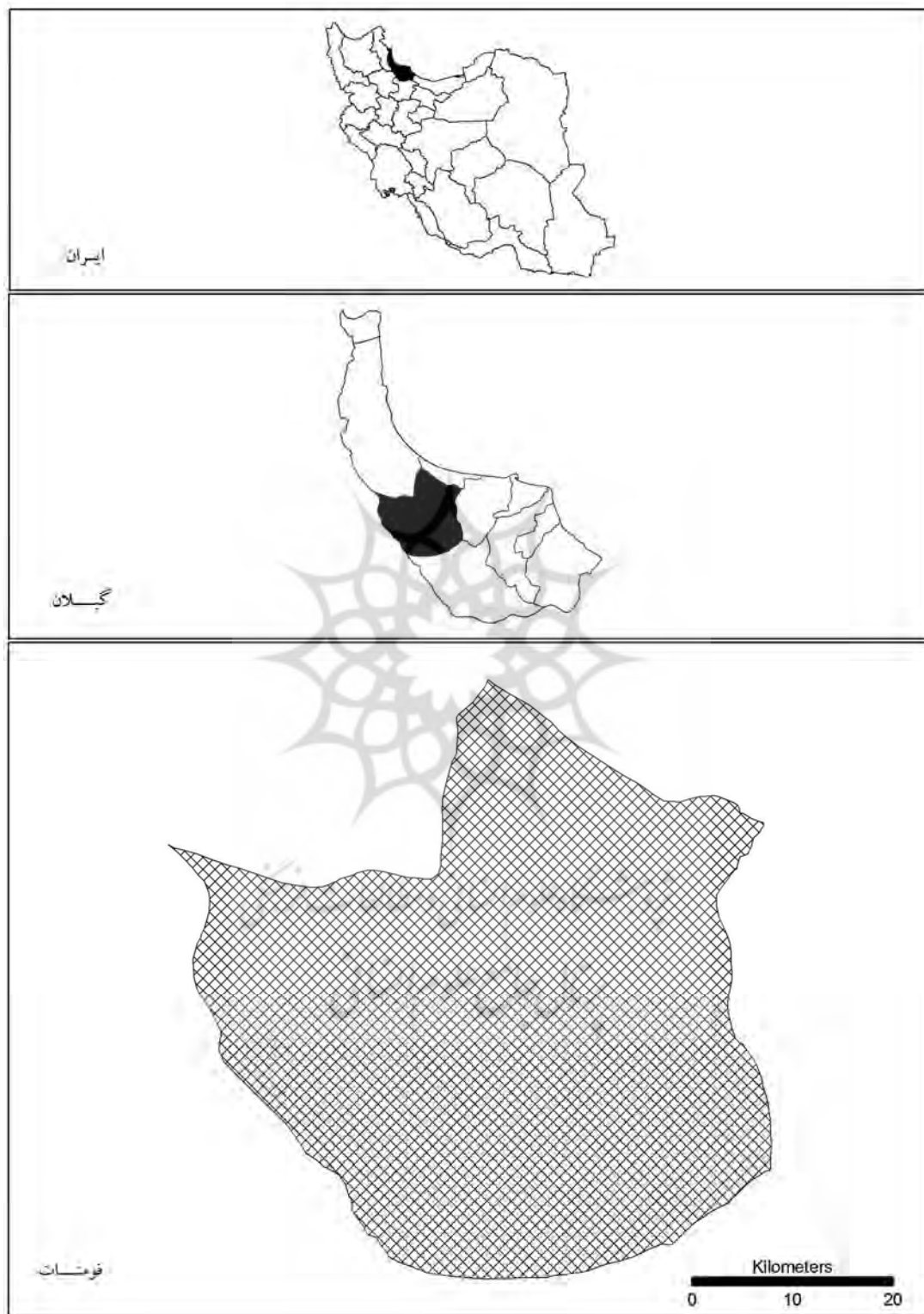
روند مزبور در ترکیب با روند نظام‌های اقتصادی و نهادهای اجتماعی ممالک در حال توسعه اغلب به بروز تعارضاتی در جامعه روستایی منجر می‌شود. زیرا در جهان سوم اغلب از الگوی توسعه اقتصادی متعارف و سنتی استفاده می‌شود در حالی که این الگو شکل تضعیف کننده و خود مخرب یافته است (ارجمندنیا، ۱۳۸۰: ۹۲-۹۹). توسعه پایدار منحصر به مسایل زیست بوم نیست بلکه جنبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن نیز دارای اهمیت زیادی است (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۷۸-۸۱). در سیستم موجود توسعه جهان سوم تحولات فرهنگی با تغییرات تکنولوژیکی هماهنگی ندارد. اصول رویکرد "جای پای بوم شناختی" (۱) شناخته شده نیست و رعایت نمی‌شود در حالی که رویکرد "جای پای بوم شناختی" نگرش به سوی سازگاری با طبیعت و پایداری حیات دارد و مشخص می‌کند که انسان در عرصه‌های محیط زیست چگونه با چالش‌های مهم روبرو گردد (Wackernagel.M&Reese.W.E:1995). این دیدگاه در ناحیه روستایی فومنات مورد آزمون قرار می‌گیرد.

۳- ناحیه مورد مطالعه و روش تحقیق:

ناحیه مورد مطالعه تحقیق را ناحیه روستایی فومنات مرکب از شهرستان‌های فومن، صومعه‌سرا و شفت تشکیل می‌دهد در این ناحیه ۳۸۷ سکونتگاه روستایی با جمعیتی برابر ۲۳۷۵۹۷ نفر وجود دارد (نقشه ۱).

ابتدا با بررسی اولیه و براساس نوع معیشت روستاهای ناحیه به ۴ تیپ عمده معیشتی تقسیم

گردید:



نقشه ۱ - موقعیت ناحیه فومنات

تیپ ساحلی در مجاورت بلا فصل تالاب انزلی با معیشت کشاورزی، دامداری و صید و شکار، تیپ جلگه‌ای با کشت غالب برنج و تیپ پایکوهی با اقتصادی مرکب از کشت و دامداری و بالاخره تیپ کوهستانی با معیشت غالب دامداری سنتی.

بعد از آن براساس نوع ناهمواری و به دلیل شباهت‌های بیشتر منظر معیشتی در نواحی جلگه‌ای و ساحلی در سال‌های اخیر، روستاهای ناحیه به ۳ تیپ جلگه‌ای، پایکوهی و کوهستانی کاهش داده شد.

از بین روستاهای مزبور در هر یک از ۳ تیپ فوق و در مجموع ۲۱ روستا با جمعیتی برابر ۱۵۵۶۸ نفر که معادل ۶٫۶ درصد کل جمعیت روستایی ناحیه می‌باشد به عنوان نمونه انتخاب گردید (نقشه ۲ روستاهای نمونه را نشان می‌دهد).

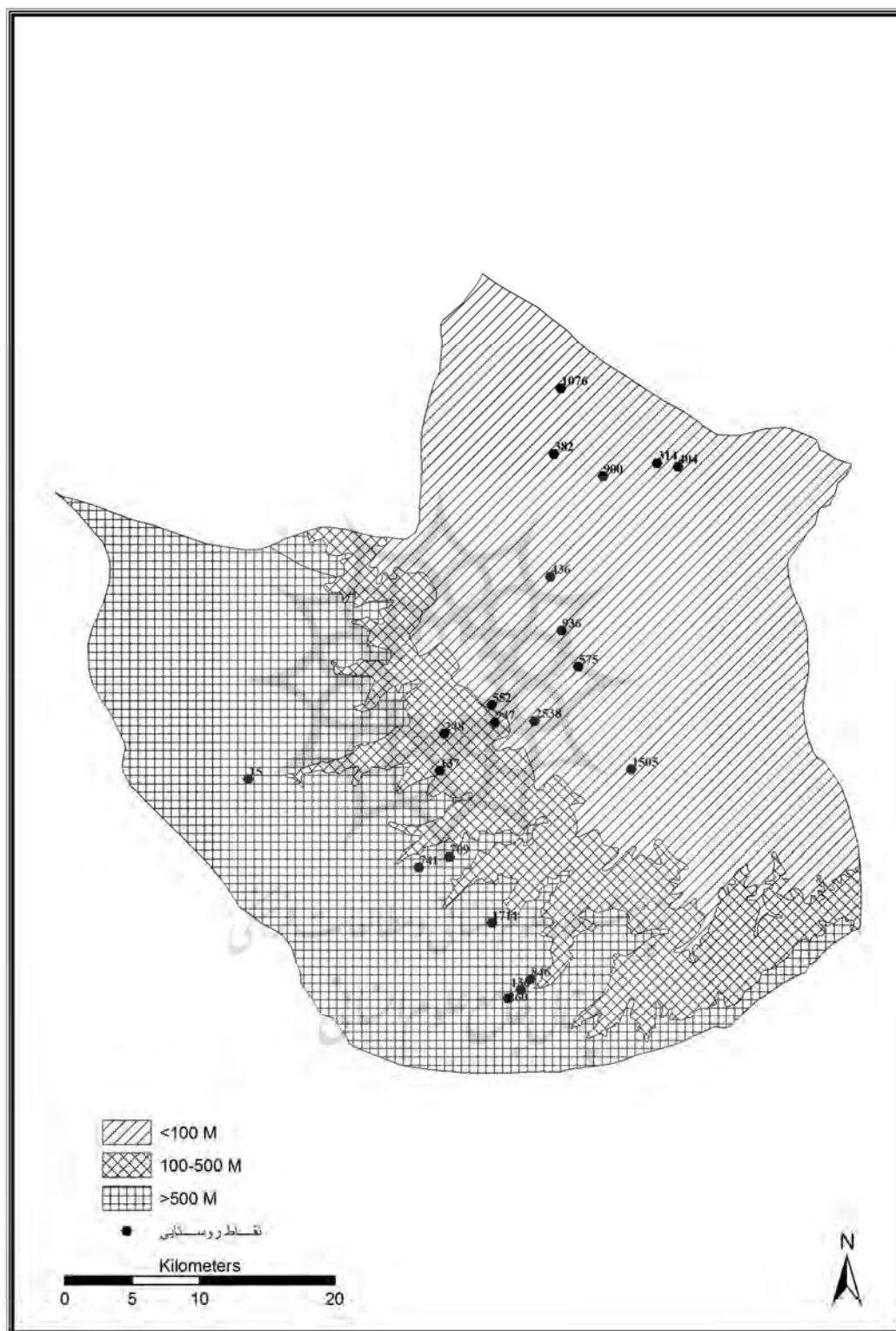
از روستاهای مزبور به کرات بازدید به عمل آمده و از طریق مشاهده و پرسشگری در راستای اهداف تحقیق اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید، چون اطلاعات مربوط به مساحت بهره‌برداری‌های زراعی، میزان تولید از طریق اسنادی و اطلاعات رسمی به دست آمده بود، در پرسشگری محلی عدم تطبیق آن‌ها با واقعیت برای نگارنده محرز گردید بنابراین در اکثر موارد اطلاعات رسمی با بررسی میدانی اصلاح شده است.

با استفاده از داده‌های به دست آمده و روش "تحلیل مولفه‌های اصلی" (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۴۵-۱۴۹ و توفیق، ۱۳-۱۱: ۱۳۷۲) برای روستاها شاخص برخورداری تهیه شده، موقعیت روستاها و چالش‌های موجود در زندگی روستایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در ترسیم نقشه‌ها از نرم افزار GIS استفاده شده است.

۴- داده‌های تحقیق:

۴-۱- ویژگی‌های طبیعی ناحیه

تاق‌دیس نامتقارن تالش واحد مورفولوژیکی ناحیه را در جنوب و جنوب غرب تشکیل می‌دهد که بخش اعظم ساختمان آن سنگ‌های متعلق به دوره ماقبل آلپین است. تنوع سنگ‌ها و نقش آن‌ها در برابر فرآیندهای درونی و بیرونی چهره متنوعی در کوهستان، پایکوه و یا نواحی جلگه‌ای به وجود آورده است (محمودی، ۱۳۶۸: ۳۰). ناهمواری مزبور در شمال، خود به جلگه‌ای متشکل از رسوبات قاره‌ای و یا دریایی دوران چهارم که قشر عظیمی از نهشته‌های نئوژنی را پوشانیده است، ختم می‌گردد (بازن، ۱۳۶۸: ۵۱). این جلگه در پشت تالاب انزلی توسعه بیشتری می‌یابد. حدود ۵۳ درصد وسعت اراضی در ناحیه جلگه‌ای (تا ارتفاع کمتر از ۱۰۰ متر) قرار دارد و اراضی کوهپایه‌ای (ارتفاع ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر) و کوهستانی (ارتفاع بیش از ۵۰۰ متر) به ترتیب ۱۱ درصد و ۳۶ درصد مساحت ناحیه را به خود اختصاص داده است (جدول ۱).



نقشه ۲ - روستاهای نمونه تحقیق و جمعیت آن‌ها

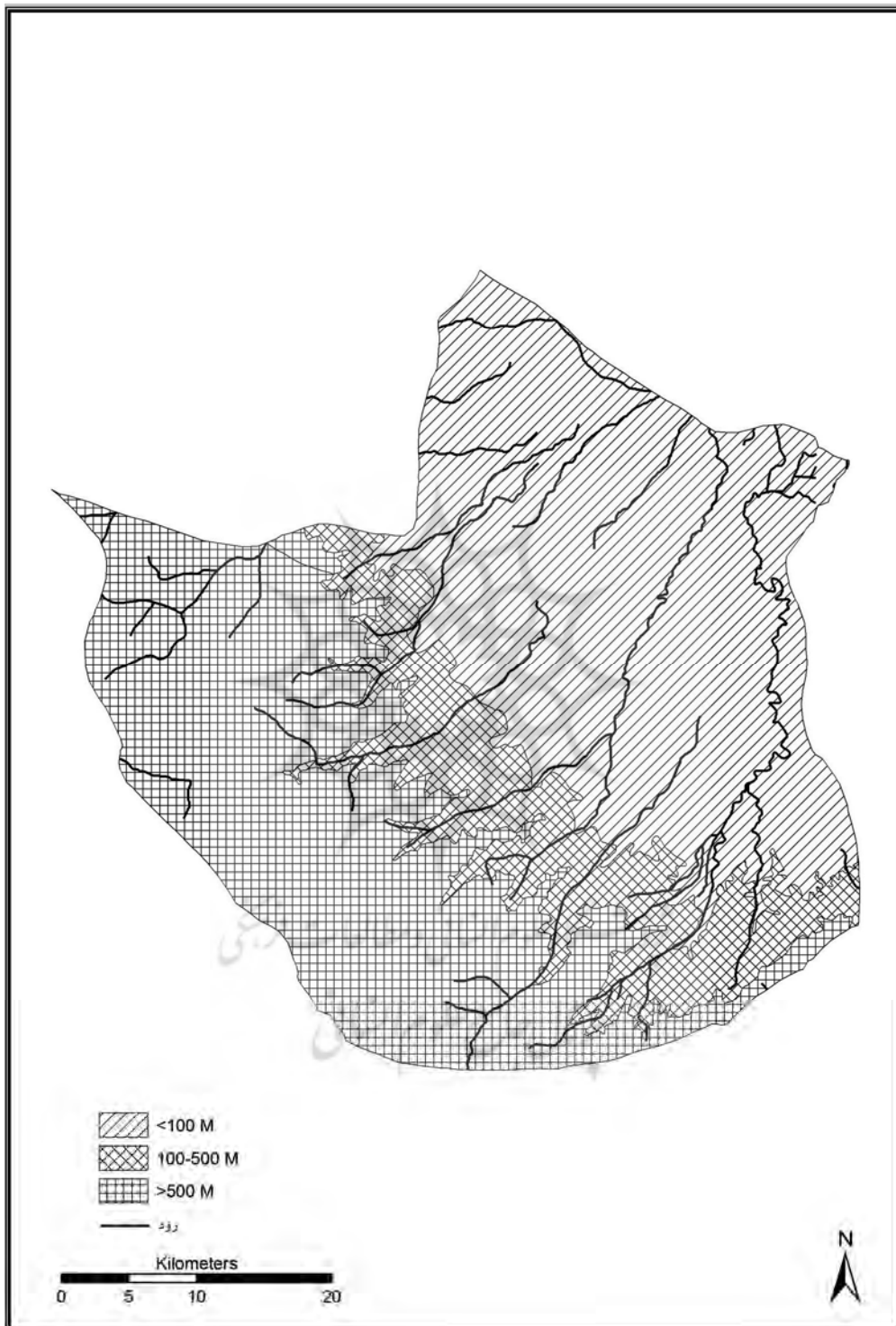
جدول ۱: وسعت اراضی جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی

کوهستانی		کوهپایه‌ای		جلگه‌ای		کل مساحت ناحیه	
درصد	کیلومتر مربع	درصد	کیلومتر مربع	درصد	کیلومتر مربع	درصد	کیلومتر مربع
۳۶	۷۹۲	۱۱	۲۴۳	۵۳	۱۱۶۶	۱۰۰	۲۲۰۱

منبع: رهنمایی ۱۳۷۴: ۱۲۱

رژیم حرارتی کم و بیش دارای یکنواختی خاصی است. با این حال از شمال به جنوب از درجه حرارت هوا کاسته می‌شود. در کوه‌ها تحت تأثیر ارتفاع، زمستان‌ها سرد و تابستان‌ها خنک است در صورتی که به طرف شمال حرارت نسبتاً بیشتر و همراه با رطوبت نسبی زیاد هوا است. معدل درجه حرارت هوا در قلعه رودخان واقع در ارتفاع ۱۷۵ متری ۱۵/۱۵ درجه است. این دما در فومن (واقع در سطح جلگه و ارتفاع منهای ده متری) به ۱۶/۱۴ درجه می‌رسد و در بندر انزلی در ارتفاع ۲۲- متری به ۱۶/۵ درجه افزایش می‌یابد (وزارت نیرو، اداره اقلیم‌شناسی، متوسط سال‌های ۹۵-۱۹۷۵). از فومن در یک خط مستقیم به طرف شمال و جنوب بارندگی افزایش می‌یابد. میزان بارندگی فومن به‌طور متوسط ۱۰۱۵ میلی‌متر است که در قلعه رودخان واقع در جنوب به ۱۶۷۷ میلی‌متر و در بندر انزلی واقع در شمال به ۱۹۵۸ میلی‌متر افزایش می‌یابد (وزارت نیرو، اداره اقلیم‌شناسی، متوسط سال‌های ۹۵-۱۹۷۵). صرف نظر از استثناهایی، بارندگی در تمام ماه‌های سال وجود دارد. و در هیچ یک از ماه‌های سال کمتر از ۴۵/۵ میلی‌متر باران نداشته ایم. افزایش بارندگی در دو نوبت است به مقدار بیشتر در شهریور و مهر و آبان و به مقدار کمتر در اسفند و فروردین ماه. کثرت و تداوم بارندگی موجب می‌شود که رطوبت هوا تا حد فوق العاده‌ای افزایش یابد. رودهای متعددی مثل: گشت رودخان، قلعه رودخان، ماسوله رودخان، پسیخان، گازرودبار، مرغک و خالکایی از کوه‌های تالش سرچشمه گرفته و پس از مشروب نمودن شالیزارهای مسیر خود به تالاب انزلی منتهی می‌شوند. نقشه ۳ ویژگی‌های توپوگرافی و هیدروگرافی ناحیه را نشان می‌دهد. علاوه بر آن کانال آبرسانی فومنات با انتقال آب از محل سد تاریک در آبیاری بخش اعظمی از شالیزارهای ناحیه نقش عمده‌ای به‌عهده دارد.

رودهای فومنات دارای دو دوره حداکثر دبی متوسط است. یکی در فصل پاییز به تبعیت از حداکثر بارندگی پاییزی و دیگری در فصل بهار که از رگبارهای بهاری و نیز ذوب برف مناطق کوهستانی سرچشمه می‌گیرد، به همین ترتیب دو حداقل نیز در دبی متوسط رودها مشاهده می‌شود. حداقل زمستانی به دلیل ذخیره آب بارندگی به صورت برف در مناطق کوهستانی و حداقل تابستانی به دلیل کمی بارش و اتمام ذخیره برف کوه‌هاست. به تبعیت از بارندگی مداوم، تبخیر ناچیز و تنوع پوشش گیاهی و نفوذ برف‌ها، آب‌های زیر زمینی در عمق کم بین ۲ تا ۵ متر قرار گرفته



نقشه ۳ - توپوگرافی و هیدروگرافی ناحیه

است. شرایط مرفولوژیکی و هیدروگرافی مزبور موجب توسعه دو نوع عمده خاک در ناحیه شده است. تا ارتفاع ۱۰۰ متری خاک‌های کربناتی بسیار حاصلخیز و مناسب کشاورزی وجود دارد. این خاک‌ها در مناطق پست ساحلی به خوبی زهکشی نشده به خاک‌های چمنی مرطوب و نیمه مردابی تبدیل شده و از ارزش زراعی آن‌ها کاسته می‌گردد. بعد از آن تا ارتفاع حدود دو هزار متری خاک‌های خاکستری آهکی نوع غالب خاک می‌باشد که به تدریج تا ارتفاع ۲۵۰۰ متری مبدل به استپ کوهی (خاکستری تیره - خرمایی) می‌شود (مهندسین مشاور سکرآ، ۱۳۴۲: ۹-۱۸).

۲-۴- ساختار جمعیت و سکونت ناحیه:

ناحیه روستایی مورد مطالعه دارای ۲۳۷۵۹۷ نفر جمعیت می‌باشد که در ۳۸۷ سکونتگاه روستایی پراکنده‌اند. توزیع جمعیت در ناحیه نامناسب می‌باشد. جدول ۲ توزیع جمعیت روستایی را برحسب سکونتگاه‌های نواحی مختلف نشان می‌دهد.

جدول ۲ توزیع جمعیت روستایی برحسب سکونتگاه‌های نواحی مختلف

نواحی	جلگه‌ای	پایکوهی	کوهستانی
مساحت به درصد	۵۳	۱۱	۳۶
جمعیت روستایی به درصد	۷۶	۱۵	۹

منبع: استخراج از آمار موجود در فرمانداری محل و بررسی محلی

طبق جدول ۳، تمرکز جمعیت در سکونتگاه‌های جلگه‌ای است و با توجه به این که مراکز شهری غیر از شهرک ماسوله در نواحی جلگه‌ای قرار دارند مشخص می‌شود که حدود ۸۱ درصد از جمعیت ناحیه در بخش جلگه‌ای و در ۵۳ درصد از وسعت ناحیه مستقرند (کل جمعیت شهری ناحیه ۷۲۵۹۵ نفر است) امری که از نظر محیط زیست مشکلاتی را به وجود می‌آورد. جدول ۳ درصد باسوادی جمعیت ناحیه را نشان می‌دهد.

جدول ۴ نسبت مسکن به خانوار را در سکونتگاه‌های ناحیه نشان می‌دهد. طبق جدول نسبت مسکن به خانوار در همه روستاها مگر روستای کوهستانی کم جمعیت "ویزبن" کمتر از یک است و کمبود مسکن نسبت به خانوار محسوس است. در سال‌های اخیر سرمایه خارج از ناحیه و اغلب مراکز شهری برای تصاحب زمین مسکونی و ساخت مسکن و سوداگری آن به ناحیه جریان می‌یابد. در روستاهای مسیر دره ماسوله رودخان و قلعه رودخان و یا روستاهای مجاور مناطق ساحلی خزر این نوع فعالیت‌ها دامنه گسترده‌تری می‌یابد. در روستاهای ماکلوان در فاصله حدود ۱۰ تا ۲۰ کیلومتری ماسوله در سال‌های اخیر تعداد ۱۷ قطعه زمین مسکونی با سرمایه مراکز شهری به بنا تبدیل شده‌اند. ۴۱ درصد این واحدها را ساکنان تهران خریداری کرده‌اند. حضور این افراد موجب گرانی بیشتر

جدول ۳ درصد باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر

روستا	باسوادی به درصد
کلرم	۵۸,۶۵
کمدول	۵۴,۴۳
کوچی چال	۶۲,۰۸
گسکره	۵۵,۳۳
لات	۴۸,۹
ماکلوان	۶۷,۹۵
ویزین	۲۶,۶۶
خلیل سرا	۶۱,۹۲
خرفه کل	۶۴,۳
خرکش	۵۲,۱
سیامزگی	۵۷,۸۶
امامزاده ابراهیم	۵۵,۳۸
بابارکاب	۵۲,۴۷
چناررودخان	۶۰,۱۶
چوبر	۶۲,۳۸
بریران	۶۲,۳
باقلاکش	۵۸,۵۹
سیادرویشان	۶۷,۶۵
شیخ محله	۶۷,۱۱
گاز گیشه	۶۰,۸۹
احمد سرگوراب	۶۴,۷

منبع: آمار موجود در خانه‌های بهداشت محلی

اراضی این روستا نسبت به روستاهای مجاور و ناسازگاری‌های رفتاری شده است. زمینی که همین افراد در سال ۱۳۷۳ خریده‌اند، اکنون با ۷ برابر قیمت زمان خرید معامله می‌شود در صورتی که در روستاهای مجاور چنین پدیده‌ای اتفاق نیفتاده است. این نوع سوداگری موجب تخریب مزارع شده و مشکلات اجتماعی در پی دارد.

جدول ۵ مجموع تعداد مراکز خدماتی سکونتگاه‌های نمونه را نشان می‌دهد که مرکب از مرکز خدمات روستایی، شرکت تعاونی، برق، آب لوله‌کشی، مرکز بهداشت، خانه بهداشت، داروخانه، پزشک، صندوق پست، تلفن و دسترسی به وسایل نقلیه عمومی است. طبق جدول نابرابری عمده‌ای بین مراکز روستایی وجود دارد و بعضی روستاهای کوهستانی فاقد هر نوع دسترسی مستقیم به مراکز خدماتی مزبور می‌باشند.

جدول ۵ مجموع تعداد مراکز خدماتی

نام روستا	تعداد مراکز خدماتی
کلرم	۳
کمدول	۳
کوچی چال	۳
گسکره	۴
لات	۱
ماکلوان	۱۱
ویزین	۱
خلیل سرا	۲
خرفه کل	۶
خرکش	۰
سیامزگی	۴
امامزاده ابراهیم	۲
بابارکاب	۰
چناررودخان	۱
چوبر	۹
بریران	۴
باقلاکش	۳
سیادرویشان	۳
شیخ محله	۹
گاز گیشه	۱
احمد سرگوراب	۱۱

منبع: بررسی محلی

جدول ۴ نسبت مسکن به خانوار در سکونتگاه‌های

نام روستا	نسبت مسکن به خانوار
کلرم	۰,۸۷
کمدول	۰,۸۹
کوچی چال	۰,۹۱
گسکره	۰,۸۶
لات	۰,۷۵
ماکلوان	۰,۸۷
ویزین	۱
خلیل سرا	۰,۹۵
خرفه کل	۰,۸۷
خرکش	۰,۹۵
سیامزگی	۰,۸۸
امامزاده ابراهیم	۰,۷۶
بابارکاب	۰,۸۴
چناررودخان	۰,۹۲
چوبر	۰,۷۳
بریران	۰,۸۱
باقلاکش	۰,۸۶
سیادرویشان	۰,۸۱
شیخ محله	۰,۸۴
گاز گیشه	۰,۸۹
احمد سرگوراب	۰,۹۶

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵

فقر امکانات و خدمات بهداشت محیط زیست از آن‌جا آشکارتر می‌شود که فاضلاب اکثر مسکن روستایی مستقیم به مسیر جوی‌ها و دره‌ها هدایت می‌شود (جدول ۶). در اغلب موارد مسکن فاقد سیستم دفع فاضلاب بوده‌اند و زباله تولیدی صد درصد خانه‌ها در مسیر جویبارها و حاشیه مسکن رها می‌شوند. سموم کشاورزی نیز اغلب بعد از بارندگی شسته شده و به آب‌ها انتقال می‌یابد که به آلودگی منابع آب منجر شده است. روستاهای ناحیه نه تنها از دفع غیر بهداشتی فاضلاب و زباله‌های خود در رنجند، بلکه آن‌ها همچنین متحمل شرایط غیر بهداشتی‌ای می‌شوند که از سوی مراکز شهری به آن‌ها تحمیل می‌شود. اکثر فاضلاب‌های شهری و صنعتی ناحیه مستقیماً به رودهای ناحیه تخلیه می‌شوند (جهاد سازندگی، ۱۳۶۷:۴۵). سالیانه از طریق رودخانه "زردجوب" ۹۳۱ تن ازت و ۱۸۴ تن فسفر وارد تالاب انزلی می‌شود. رودخانه پیر بازار با دبی سالیانه ۱۷۸ میلیون متر مکعب آب، ۳۰ درصد از کل بار فسفات مطلق را به خود اختصاص داده است. آلودگی فسفوری آب در بخش مرکزی تالاب انزلی ۲,۵ برابر حد مجاز خود است (کردوانی، ۱۳۷۴: ۲۰۲-۲۰۵).

توزیع جمعیت روستایی در بخش‌های عمده مشاغل اجتماعی بیانگر غلبه اقتصاد کشاورزی سنتی در ناحیه است؛ چنانکه به‌طور متوسط ۷۵ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی فعالند. ۹,۲ درصد در خدمات اداری، آموزشی، نظامی و انتظامی، ۱۲,۸ درصد در بخش خرده فروشی و بقیه به‌صورت کارگر، تعمیر کار و راننده مشغول فعالیت می‌باشند.

جدول ۷ درصد اشتغال جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر را نشان می‌دهد که طبق آن حداکثر درصد اشتغال در روستاهای جلگه‌ای ۹۶ درصد و حداقل آن در روستاهای پایکوهی معادل ۲۶ درصد است.

۳-۴- اساس اقتصادی ناحیه:

اساس اقتصادی ناحیه را فعالیتهای کشاورزی تشکیل می‌دهد. حدود ۳۸/۹۱ درصد ناحیه تحت کشت انواع محصولات زراعی است. کشت عمده ناحیه برنج است که بیش از ۸۵ درصد اراضی زراعی را به خود اختصاص داده است. این کشت در بخش جلگه‌ای همراه با زراعت باغچه‌ای توتون می‌باشد.

در بخش کوهپایه‌ای تولید برنج با کشت توت به منظور پرورش کرم ابریشم زراعت عمده ناحیه می‌باشد. یکی از مناظر روستایی ناحیه در بخش جلگه‌ای و تا ارتفاعات ۲۵۰ متری گسترش

جدول ۶ درصد مساکن فاقد فاضلاب بهداشتی

نام روستا	درصد مساکن فاقد فاضلاب
کلرم	۸۰
کمدول	۹۶
کوچی چال	۸۵
گسکره	۸۵
لات	۹۸
ماکلوان	۷۲
ویزین	۱۰۰
خلیل سرا	۷۵
خرفه کل	۹۲
خرکش	۹۸
سیامزگی	۹۷
امامزاده ابراهیم	۹۶
بابارکاب	۱۰۰
چنارودخان	۱۰۰
چوبر	۷۶
بریران	۷۴
باقلاکش	۷۳
سیادرویشان	۷۲
شیخ محله	۶۵
گاز گیشه	۸۳
احمد سرگوراب	۶۴

منبع: بررسی محلی

جدول ۷: درصد اشتغال جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر

نام روستا	درصد اشتغال
کلرم	۸۰
کمدول	۹۶
کوچی چال	۸۵
گسکره	۸۵
لات	۹۸
ماکلوان	۷۲
ویزین	۱۰۰
خلیل سرا	۷۵
خرفه کل	۹۲
خرکش	۹۸
سیامزگی	۹۷
امامزاده ابراهیم	۹۶
بابارکاب	۱۰۰
چنارودخان	۱۰۰
چوبر	۷۶
بریران	۷۴
باقلاکش	۷۳
سیادرویشان	۷۲
شیخ محله	۶۵
گاز گیشه	۸۳
احمد سرگوراب	۶۴

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵

جدول ۸: سطح زیر کشت محصولات زراعی ناحیه در سال ۱۳۷۲

نوع کشت	برنج	توتون	حبوبات	صیفی جات	سبزیجات	چای	جمع
سطح زیر کشت	۵۶۳۵۰	۹۲۸	۲۲۵۸	۳۳۲۹	۲۶۷	۳۱۲۲	۶۶۲۵۴
درصد	۸۵,۱	۱,۴	۳,۴	۵	۰,۴	۴,۷	۱۰۰

منابع: آمار نامه استان سال ۱۳۸۲

کشت چای می‌باشد. علاوه بر این در اغلب نواحی حبوبات و صیفی جات به عمل می‌آید.

جدول ۸ سطح زیر کشت محصولات زراعی در ناحیه را نشان می‌دهد.

جدول ۹ سطح زیر کشت برنج و متوسط قطعات هر بهره‌بردار و میزان تولید برنج را در روستاهای نمونه نشان می‌دهد. براساس این جدول متوسط میزان زمین هر بهره‌بردار به جز در ۳ روستا کمتر از ۱ هکتار است. این سه روستا نیز در ناحیه جلگه‌ای قرار دارند. انحراف معیار بالا نیز توزیع نابرابر اراضی را در بین هر روستا نشان می‌دهد.

پراکندگی قطعات مختلف زمین هر بهره‌بردار یکی از مشکلات ناحیه است (طالب، ۱۳۶۷).

حداقل تعداد قطعات بهره‌بردار در بهره‌بردارهای جلگه‌ای اراضی تازه آباد پیرامون تالاب انزلی ۱/۱ قطعه است که هر چه به طرف نواحی پایکوهی نزدیک می‌شود بر میزان تقطیع اراضی افزوده

جدول ۹: مقدار زمین برنجزار در برابر هر بهره‌بردار به هکتار، متوسط قطعات، و میزان تولید در روستاهای نمونه

نام روستا	مقدار زمین برنجزار در برابر هر بهره‌بردار	انحراف معیار	متوسط قطعات هر بهره‌بردار	میزان تولید (متوسط ۵ سال) در هر هکتار به کیلو
شیخ محله	۰/۹۸	۰/۶۱	۱/۱	۲۰۰۰
خلیل سرا	۰	۰/۷۱	۱/۱	۱۵۰۰
کوچیه چال	۰/۶۸	۰/۶۶	۳/۱	۱۶۰۰
مالکوان	۰/۵	۰/۵۵	۱/۲	۱۸۵۰
سیاه درویشان	۱/۴۶	۱/۶۶	۱/۲	۱۶۰۰
باقلاکش	۲/۰۴	۱/۵۲	۱/۲	۱۶۰۰
گاز گیشه	۱/۸	۰/۷۱	۱/۲	۱۶۰۰
کلم	۰/۸۳	۰/۷۸	۱/۲	۱۵۰۰
گسکره	۰/۵۳	۰/۳۹	۱/۵	۱۴۰۰
خرقه کل	۰/۶۴	۰/۵۸	۱/۶	۱۰۰۰
خرکش	۰	-	-	-
سیاه مزگی	۰	-	-	-
بریران	۰/۹۸	۰/۹۲	۱/۲	۱۷۰۰
چنارودخان	۰/۸۸	۰/۸۵	۱/۴	۷۰۰
چوبر	۰/۳۶	۰/۳۹	۱/۵	۷۰۰
کمدال	۰/۴۹	۰/۳۶	۱/۷	۸۵۰
بابا رکاب	۰	-	-	-
ویزین	۰	-	-	-
امامزاده ابراهیم	۰	-	-	-
لات	۰	-	-	-
احمد گراب	۱/۵۱	۱/۳۵	۱/۱	۲۰۰۰

منابع: آمارگیری کشاورزی ۱۳۷۲ و تطبیق محلی نگارنده

می‌گردد.

میزان تولید برنج در هکتار نیز برحسب تیپ‌های مختلف روستایی متفاوت است. به گونه‌ای که در سطح جلگه‌ای میزان تولید برنج گاهی حتی نزدیک به ۳ برابر میزان تولید در سطح روستاهای پایکوهی می‌رسد.

جدول ۱۰ هزینه تولید و درآمد کشت برنج را در روستاهای نمونه نشان می‌دهد. طبق این جدول درآمد خالص تولید برنج در نواحی کوهپایه‌ای منفی است. در مناطق جلگه‌ای نیز کشت برنج را با توجه به سرمایه اولیه و نیروی کار مورد نیاز نمی‌توان کشتی اقتصادی تلقی کرد.

تفاوت میزان درآمد خالص برنج در نواحی جلگه‌ای و کوهپایه‌ای عبارت از آن است که: + کیفیت برنج تولیدی در مناطق جلگه‌ای بهتر از کیفیت برنج تولیدی در مناطق کوهپایه‌ای است. در مناطق جلگه‌ای بیشتر برنج نوع "صدری" و "هاشمی" برداشت می‌شود ولی در مناطق کوهپایه‌ای

جدول ۱۰ - هزینه و درآمد یک هکتار برنج در نواحی جلگه‌ای و کوهپایه‌ای به تومان

نوع عملیات	شخم و تسطیح	نشاء	وجین	کود	سم	آبیاری	درو	حمل
جلگه‌ای	۱۲۰۰۰۰	۸۴۰۰۰	۷۰۰۰۰	۲۴۰۰۰	۴۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۷۵۰۰۰
کوهپایه‌ای	۱۳۵۰۰۰	۸۴۰۰۰	۷۰۰۰۰	۲۴۰۰۰	۲۴۰۰۰	۴۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰

بقیه جدول ۱۰

خرمنکوبی	سفید کردن	مرز مزارع	جمع هزینه	برنج تولیدی به کیلو	قیمت هر کیلو	کل درآمد	درآمد خالص
۳۹۰۰۰	۹۰۰۰۰	۹۶۰۰۰	۷۷۸۰۰۰	۱۷۰۰	۹۰۰	۱۵۳۰۰۰۰	۷۵۲۰۰۰
۳۹۰۰۰	۷۰۰۰۰	۹۶۰۰۰	۷۵۸۰۰۰	۱۰۰۰	۷۰۰	۷۰۰۰۰۰	-۵۸۰۰۰

منبع: بررسی محلی

برنج "علی کاظمی" کشت اصلی است که برنج تولیدی جلگه‌ای ارزش بازاری بیشتری دارد. برنج به خاک حاصلخیز رسوبی، آفتاب کافی، زمین هموار و آب فراوان نیازمند است این شرایط در مناطق جلگه‌ای به نحو مطلوبی فراهم است در نتیجه هم میزان تولید در واحد سطح در مناطق جلگه‌ای بالاست و هم کیفیت برنج نواحی جلگه‌ای به طور نسبی بهتر است (شالیزارهای جلگه‌ای یا در مسیر رودهای پر آب و یا در آبخور کانال آبرسانی فومنتا قرار دارند).

+ در مناطق جلگه‌ای به دلیل تقطیع بیشتر اراضی، ناهموار بودن زمین و فقدان ماشین آلات کافی هزینه تولید نسبت به نواحی جلگه‌ای بیشتر است. در نواحی کوهپایه‌ای معمولاً شخم اول را با استفاده از نیروی اسب انجام می‌دهند. در صورتی که شخم زمین در مناطق جلگه‌ای یک‌جا به تیلرسپرده می‌شود که هزینه کمتری در بردارد.

جدول شماره ۱۱ سطح زیر کشت چای را در روستاهای نمونه و نیز میزان تولید برگ سبز چای را در واحد هکتار نشان می‌دهد.

طبق جدول کشت چای به صورت باغچه‌ای و در سطح محدودی است. میزان تولید چای نیز با میزان آبیاری و مرمت چایکاری‌ها و نیز شیب زمین در ارتباط است به طوری که میزان تولید در روستاهای جلگه‌ای و مجهز به سیستم آبیاری تا حدود ۴ برابر میزان تولید در روستاهای پایکوهی است. در مناطق پایکوهی مزارع فاقد سیستم آبیاری می‌باشد، شیب زمین زیاد و فرسایش خاک بیشتر است.

جدول ۱۲ هزینه لازم و درآمد یک هکتار چای را در نواحی جلگه‌ای و پایکوهی نشان می‌دهد میزان تولید چای در چایکاری‌های سنتی در اراضی شیب‌دار پایکوهی در سال‌های کم باران به دلیل فقدان آب کافی و در سال‌های پر باران به دلیل فرسایش زیاد و فقدان نور کافی نوسان بسیار دارد در صورتی که در نواحی جلگه‌ای تجهیز اراضی چایکاری به سیستم آبیاری، میزان تولید را بالا می‌برد (افراخته، ۳۵: ۱۳۷۶-۴۹).

جدول ۱۱- سطح زیر کشت چای و میزان تولید در هکتار در روستاهای نمونه

نام روستا	سطح زیر کشت دیم	سطح زیر کشت آبی	میزان تولید برگ سبز به کیلو در هکتار
شیخ محله	-	-	-
خلیل سر	۰,۴۱	-	۵,۵۶
کوچیه چال	۳,۱	-	۵,۷۹
ماکلوان	-	-	-
سیا درویشان	-	-	-
باقلاکش	-	-	-
گاز گیسه	-	-	-
کلم	۰,۱۵۵	۱۱	۱۲
گسکره	۲,۲۵	-	۴
خرقه کل	۳,۰۱	-	۲,۸۷
خرکش	۲,۳۵	-	۵,۴۲
سیاهمزیگی	۳۹,۵۵	-	۵,۶۶
بربران	-	-	-
چنارودخان	۳,۱۳۵	-	۲,۷۷
کمدول	-	-	-
بابارکاب	۶,۰۲۹	-	۴,۰۱
ویزین	-	-	-
امامزاده ابراهیم	-	-	-
لات	-	-	-
احمد سر گوراب	۲,۲۸	-	۷,۴۵
چوبر	۰,۲	-	۵,۷

منبع: بررسی محلی

طبق جدول مزبور، کشت چای برای مالک در سال ۱۳۸۲، در مناطق کوهپایه‌ای مبلغ ۲۷۶۰۰۰ تومان و در مناطق جلگه‌ای ۷۹۰۰۰۰ تومان درآمد در بر داشته است و این وقتی است که چای به سرمایه‌گذاری اولیه سنگینی نیاز دارد و حداقل بعد از سه سال و به‌طور کامل بعد از شش سال قابل بهره‌برداری خواهد بود که سرمایه در این مدت راکد خواهد ماند.

در سال ۱۳۸۳ خرید چای با مشکلاتی مواجه بود که در صورت تداوم، کشت چای در ناحیه حذف خواهد شد که خود نیازمند بررسی جداگانه‌ای است.

یکی دیگر از فعالیت‌های رایج در ناحیه، پرورش کرم ابریشم است. جدول ۱۳، توزیع فعالیت‌های پرورش کرم ابریشم را در روستاهای نمونه نشان می‌دهد. طبق این جدول، تولید پيله در اغلب روستاها به‌عنوان فعالیتی جنبی و در سطح محدودی وجود دارد. این فعالیت تولیدی در برابر پرورش هر جعبه تخم نوغان برای کشاورز مبلغی حدود ۴۰۰۰۰ تومان درآمد ولی میزان تولید

جدول ۱۲ هزینه لازم و درآمد یک هکتار چای در نواحی جلگه‌ای و پایکوهی

نواحی	کل هزینه لازم به تومان	متوسط تولید برگ سبزه تن	کل درآمد/تومان	درآمد خالص/تومان
جلگه‌ای	۷۱۰۰۰۰	۱۰	۱۵۰۰۰۰۰	۷۹۰۰۰۰
کوهپایه‌ای	۳۲۴۰۰۰	۴	۶۰۰۰۰۰	۲۷۶۰۰۰

منبع: بررسی محلی

جدول ۱۳: توزیع فعالیت‌های پرورش کرم ابریشم در روستاهای نمونه

نام روستا	جعبه نوغان / هر بهره‌بردار به طور متوسط	تولید پيله به كيلو/هر جعبه طور متوسط
شیخ محله	۳,۲	۲۱,۵
خلیل سر	۲,۳	۱۶,۱
کوچیه چال	۲,۸	۱۷,۸
ماکلوان	۳,۲	۲۵,۳
سیا درویشان	۲	۲۱,۱
باقلاکش	۱,۴	۲۲,۷
گاز گیسه	۱,۴	۲۲,۷
کرم	۳,۲	۲۰,۳
گسکره	۲,۸	۱۶,۶
خرفه کل	۱,۳	۲۱,۳
خرکش	۱,۱	۲۹,۶
سیاهمزیگی	۱,۳	۲۷,۵
بریران	۱,۷	۲۳,۷
چنارودخان	۱,۶	۲۷,۴
کمدول	۱,۵	۲۱,۵
بابارکاب	۱,۵	۲۷,۲
ویزین	۱,۸	۲۹,۷
امامزاده ابراهیم	-	-
لات	-	-
احمد سر گوراب	۱,۸	۲۷,۲
چویر	-	-

منبع: بررسی محلی

و قیمت فروش پيله از سالی به سال دیگر نوسان بسیار دارد (افراخته، ۱۳۷۲: ۶۵-۷۳) به همین دلیل اغلب زارع به آن به‌عنوان فعالیت جنبی می‌نگرد.

به‌دلیل کوچک بودن وسعت اراضی زراعی و سیستم موجود کشاورزی، درآمد حاصله از کشاورزی قادر به تامین نیازهای اقتصادی مردم نمی‌باشد به همین دلیل اغلب کشاورزان دارای فعالیت جنبی به‌عنوان ممر درآمدی می‌باشند. طبق بررسی، درصد زیادی از کشاورزان برای تامین معاش خود به شغل دومی علاوه بر کشاورزی روی آورده‌اند (جدول ۱۴).

چنان‌که جدول نشان می‌دهد کار جنبی افراد تحت تاثیر دو مساله قرار دارد. اول کمبود زمین زراعی که از این جهت جمعیت نواحی کوهپایه‌ای بیشتر به دنبال شغل دوم هستند و اغلب به صورت دوره‌ای و فصلی به شالیزارهای نواحی جلگه‌ای و باغ‌های مرکبات مازندران غربی، کارخانه‌های چای، فروشندگی، کارگری در بخش شهری روی آورده‌اند. دوم امکانات اشتغال، به همین دلیل در نقاطی مثل "لات" به‌رغم نیاز روستایی، به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی درصد کسانی که دارای شغل جانبی هستند، ناچیز می‌باشد. به‌طور متوسط برآورد می‌شود که در ناحیه کشاورزان دارای فعالیت جنبی به‌طور متوسط بین ۱۵ تا ۴۵ درصد درآمد خود را از طریق فعالیت‌های جانبی به‌دست می‌آورند.

جدول ۱۴- درصد کشاورزان دارای فعالیت جنبی علاوه بر کشاورزی

نام روستا	درصد کشاورزان دارای کار جنبی
شیخ محله	۶۳
خلیل سر	۶۶
کوچیه چال	۶۸
ماکلوان	۷۰
سیا درویشان	۴۲
باقلاکش	۴۳
گاز گیسه	۳۸
کلم	۶۴
گسکره	۶۱
خرفه کل	۴۴
خرکش	۳۹
سیاهمزیگی	۴۱
بریران	۶۲
چناررودخان	۷۳
کمدول	۷۸
بابارکاب	۶۹
ویزین	۸۳
امامزاده ابراهیم	۹۲
لات	۱۲
احمد سر گوراب	۴۳
چویر	۷۵

منبع: بررسی محلی

۵- تحلیل داده‌ها:

جدول ۱۵ رتبه بر خورداری روستاهای نمونه و نمودار ۱ موقعیت آن‌ها را بر اساس تحلیل مولفه‌های اصلی مبتنی بر ۸ متغیر نشان می‌دهد.

طبق جدول و نمودار مزبور رتبه سکونتگاه‌ها از نظر بر خورداری از موقعیت طبیعی آن‌ها پیروی می‌کند. به این مفهوم که رتبه ۱ متعلق به روستای شیخ محله واقع در جلگه و رتبه ۲۱ به روستای لات واقع در کوهستان تعلق دارد به عبارت دیگر رتبه‌های ۱ الی ۱۱ همه در سطح جلگه واقع‌اند و رتبه‌های ۱۲ الی ۲۱ همه در سطح کوهپایه و کوهستان قرار دارند.

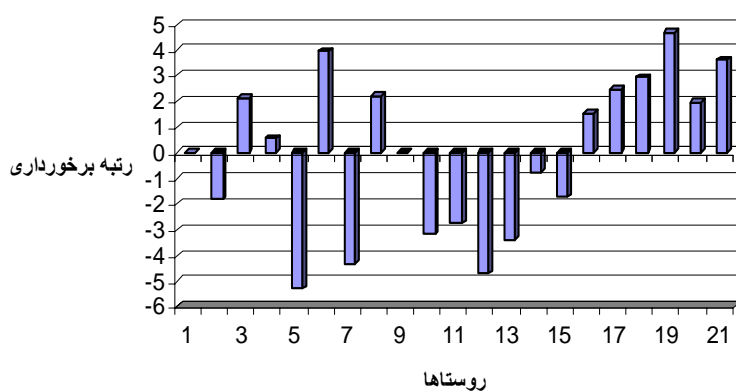
بنابر این مهم‌ترین چالش نواحی روستایی آن است که روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی در مقایسه با روستاهای جلگه‌ای از محرومیت بیشتری در رنج‌اند و قادر به توسعه خود همگام با تحولات ناحیه نمی‌باشند.

طبق جدول ۹، متوسط اراضی بهره‌برداری شالیکاری جز در سه روستای تازه آباد مجاور تالاب انزلی که در سال‌های اخیر در آنجا اراضی مرتعی ساحلی را به مزارع تبدیل کرده‌اند، کمتر از یک هکتار است. انحراف معیار بالا نیز در همه روستاها بیانگر توزیع نامتناسب زمین بین بهره‌برداران می‌باشد. علاوه بر آن حداقل متوسط قطعات زمین زراعی هر بهره‌بردار ۱/۱ است که از روستاهای

جدول ۱۵- رتبه برخورداری روستاهای نمونه

رتبه	رتبه برخورداری	نام روستا
۱۱	۰	کلرم
۱۵	-۱,۸۱	کمدول
۷	۲,۱۴	کوچی چال
۱۰	۰,۵۵	گسکره
۲۱	-۵,۲۷	لات
۲	۳,۹۶	ماکلوان
۱۹	-۴,۳۱	ویزین
۶	۲,۲۲	خلیل سرا
۱۲	-۰,۰۱	خرفه کل
۱۷	-۳,۱۵	خرکش
۱۶	-۲,۷۶	سیامزگی
۲۰	-۴,۷۱	امامزاده ابراهیم
۱۸	-۳,۴	بابارکاب
۱۳	-۰,۷۶	چنارودخان
۱۴	-۱,۷۴	چویر
۹	۱,۵۴	بریران
۵	۲,۴۶	باقلاکش
۴	۲,۹۳	سیادرویشان
۱	۴,۶۸	شیخ محله
۸	۱,۹۵	گاز گیشه
۳	۳,۶۴	احمد سرگوراب

نمودار ۱: موقعیت روستاها بر اساس رتبه برخورداری



جلگه‌ای به روستاهای کوهپایه‌ای افزایش می‌یابد. در توجیه چنین پدیده‌ای بیش از همه باید به ارزش مالکیت زمین در شرایط کنونی در جامعه روستایی اشاره کرد که هیچ‌کس حاضر نیست از مالکیت اراضی خود صرف‌نظر کرده و آن را به دیگری بسپارد (طالب، ۱۳۶۸: ۶-۲۶).

سازمان یا قانون خاصی نیز در مورد جلوگیری از تقطیع اراضی زراعی وجود ندارد. در عین حال اجرای قانون ارث اسلامی و افزایش جمعیت به تدریج بر تقطیع اراضی زراعی می‌افزاید امری که موجب اتلاف نیروی کار کشاورزان شده و به کاهش تولید منجر می‌گردد. در کاهش میزان تولید در هکتار علاوه بر شرایط طبیعی زمین، تقطیع اراضی نیز ایفای نقش کرده است و میزان تولید را از ۲ تن در هکتار برنج سفید در روستای جلگه‌ای به ۷۰۰-۸۵۰ کیلو در روستای پایکوهی یعنی به حدود یک سوم کاهش داده است.

طرح تسطیح اراضی که اخیراً در ناحیه اجرا می‌شود، البته ابتکار مطلوبی است اما در روستاهای پایکوهی به دلیل شیب زمین چنین امری امکان‌پذیر نیست ثانیاً این عمل قادر نیست تقطیع اراضی ناشی از اجرای قانون ارث و گرایش تمایل به حفظ مالکیت اراضی را جلوگیری کند.

تولید نسبی کمتر و هزینه نسبی بالاتر چه در بخش تولید برنج و یا تولید چای در روستاهای پایکوهی نسبت به روستاهای جلگه‌ای محسوس تر است (جدول ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹) در نتیجه تولید برنج یا مهمترین منبع معیشت مردم در روستاهای پایکوهی درآمدی ندارد و اگر کشت برنج در این مناطق تداوم می‌یابد، علت آن را باید در استفاده از نیروی کار خانوادگی و نقشی که کشت برنج در معیشت خانوار ایفا می‌کند، جستجو نمود. باغ‌های چای در سطحی محدود به مصرف خانوار باقی مانده است. پرورش کرم ابریشم نیز صرفاً به دلیل این‌که لااقل بخشی از وقت بیکاری روستایی را پر می‌کند و از نیروی کار خانوار استفاده می‌شود، رایج است در غیر این صورت اگر زارع برگ توت را بفروشد، حداقل نیمی از همان درآمد را به دست خواهد آورد و از انجام ۲۶ رور کار اضافی نیز که صرف پرورش کرم ابریشم می‌کند، معاف خواهد بود.

کمبود درآمد همراه با نوسان تولید در روستاهای پایکوهی در بخش تولید چای و تولید پنبه ابریشم نیز محسوس است به همین دلیل اغلب کشاورزان در جستجوی ممر معاش به دنبال کار دومی جدای از کار زراعی می‌روند (جدول ۱۴) به گونه‌ای که در روستاهای جلگه‌ای به طور متوسط ۲۲/۵ درصد و در روستاهای کوهپایه‌ای ۶۶/۸ درصد مردم به شغل دومی روی آورده‌اند و از این راه بین ۱۵ تا ۴۵ درصد درآمد خود را تأمین می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های زندگی روستایی ناحیه کمبود کمی و به‌ویژه کیفی مسکن روستایی است. در سال‌های اخیر سوداگری زمین در برخی روستاهای ناحیه افزایش یافته است. این سوداگری علاوه بر عواقب فرهنگی، در شرایط فعلی می‌تواند به کمبود زمین زراعی و از همه مهمتر به سوداگری شدید زمین در ناحیه بیانجامد و سرانجام سوداگران زمین‌های ناحیه را به تصرف خود درآورند و

اقتضای روستایی را از دسترسی به محیط زیست بهتر محروم سازند امری که طلیعه آن در حال ظهور است. چنان‌که قیمت زمین در روستاهایی که این سوداگری در آن رواج یافته به‌مراتب سریع‌تر از قیمت زمین سایر روستاها افزایش یافته است و به‌طور متوسط به هفت برابر رسیده است. یکی از چالش‌های روستایی ناحیه فقدان سازمان دهی و نظم و روالی است که در دفع فاضلاب‌های روستایی، شهری، کشاورزی، صنعتی و خانگی دیده می‌شود که به آلودگی منابع آب و خاک‌های ناحیه انجامیده است. این مسأله در دفع زباله‌های روستایی به شدت محسوس است (تصویر ۱) که در نهایت چشم‌انداز نامناسب و غیربهداشتی در ناحیه به‌وجود آورده و به آلودگی محیط زیست ناحیه منجر شده است.



تصویر ۱ - دفع زباله‌های روستایی و آلودگی منابع آب و خاک

۶- نتیجه‌گیری:

مطالعه نشان می‌دهد که زندگی روستایی در ناحیه فومنات با انواع تعارضات و چالش‌ها روبرو می‌باشد که عبارتند از:

الف: تفاوت شدید بین سکونتگاه‌های روستایی جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی از نظر درجه برخورداری، روستاهای جلگه‌ای به نسبت روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی برخوردارترند.

ب: ابعاد بهره‌برداری‌های زراعی در اثر عوامل مختلف از جمله افزایش جمعیت و اجرای قانون ارث روز به روز در حال کوچک‌تر شدن است. در نتیجه درآمد زمین پاسخگوی نیازهای معیشتی خانوار نمی‌باشد. به همین دلیل جمعیت ضرورتاً به دنبال شغل دومی علاوه بر شغل کشاورزی می‌باشند و این مسئله سبب می‌شود که آن‌ها نه کشاورزی موفق و نه کارگر یا کاسبی متخصص باشند، امری

که دایره فقر و کم کاری را تقویت می کند.

ج: در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای به دلیل کیفیت نامناسب خاک زراعی، شیب نسبی زمین، کمبود نور کافی خورشید و در بسیاری موارد کمبود آب زراعی و هزینه بالای تولید فعالیت‌های زراعی از نظر اقتصادی سودآوری لازم را ندارد و واحدهای بهره‌برداری زراعی تنها با تکیه بر نیروی کار خانوادگی است که فعالیت خود را ادامه می‌دهند.

د: در روستاهای نواحی ساحلی و کوهستانی که دارای ویژگی‌های مناسب استراحتگاهی هستند، سوداگری شدید زمین رایج شده است. این مسأله قیمت زمین را نسبت به روستاهای مجاور با سرعت بیشتری افزایش داده است، همچنین مشکلات اجتماعی به وجود آورده و به آلودگی بیشتر محیط زیست نیز کمک کرده است. در این نواحی سوداگری انحصاری زمین روستاییان را از دسترسی به محیط زیست مطلوب خود محروم می‌سازد.

ه: آلودگی شدید منابع آب‌های سطحی و زیر زمینی در اثر فاضلاب‌های صنعتی، روستایی، شهری و کشاورزی، در اغلب موارد فاضلاب‌ها مستقیماً به مسیر رودها هدایت می‌شوند. گاهی مدت کوتاهی بعد از سم‌پاشی اراضی کشاورزی، در اثر بارندگی و شیب زمین این سموم به سرعت به منابع آب‌های سطحی تخلیه می‌شوند و آلودگی منابع آب را تشدید می‌کنند.

و: در روستاهای ناحیه هیچ نوع نظم و روالی برای جمع‌آوری زباله‌ها وجود ندارد. در اغلب موارد زباله‌ها در فضا پخش و پراکنده می‌شوند و منظره غیربهداشتی و نامناسبی را به نمایش می‌گذارند. این چشم‌اندازهای نامطلوب در ورودی کانال‌های آبرسانی به نحو محسوسی قابل مشاهده است. چالش‌های مزبور بیانگر آن است که الگوی توسعه متعارف و سنتی به دور از مقوله‌های فرهنگی، اجتماعی جامعه را با چالش‌هایی مواجه کرده است. استفاده از دستاوردهای پزشکی جمعیت را افزایش داده اما همگام با آن بخش‌های دیگر توسعه‌ای ندارد در نتیجه جمعیت با اصرار بر اصول نهادهای اجتماعی کهن در سطح اراضی محدودی متمرکز شده در حالی که توقع مصرفی جمعیت به شدت افزایش یافته و مدرن شده اما بر رفتارهای اجتماعی سنتی پای می‌فشارند.

این مسأله همچنین بیانگر بی‌تعادلی سیستم اقتصادی است که در شرایط فعلی معتقد به بنیان زندگی بر اساس کشاورزی سنتی است و یا نشانگر عقب‌ماندگی اقتصادی است که اکثریت جمعیت هنوز معیشت خود را در کشاورزی سنتی می‌جویند. چنین جمعیتی به تعادل اکولوژیکی محیط باوری ندارد. روند تخلیه مواد زاید سریع‌تر از جذب آن‌ها در طبیعت است. استفاده از لوازم و اشیای غیرقابل تجزیه افزایش یافته ولی اصولی برای دفع منطقی آن وجود نداشته و یا رعایت نمی‌شود. در مواردی مصالحی را که توسط اداره بهداشت برای ساخت چاه فاضلاب به رایگان در اختیار روستایی قرار داده در جای دیگری به مصرف می‌رساند؛ از شن ریخته شده در جاده در خفا برداشت می‌کنند و در حیاط خانه خود به مصرف می‌رساند.

در چنین شرایطی اجرای برنامه توسعه جامع نواحی روستایی و تأکید بر رویکردهای فرهنگی و اجرای دقیق ضوابط زندگی اقتصادی و اجتماعی در کل جامعه می‌تواند رهگشای چالش‌های پیش رو باشد.

یادداشت‌ها:

1-Ecological Footprint.

۲- در لات ۲ نفر بهره‌بردار برنج، ۲/۲ هکتار زمین را دارا هستند اراضی زراعی یکی در روستا گسکره و دیگری در روستای آبرود قرار دارد به همین دلیل در اسناد رسمی جزء اراضی لات محسوب شده است.

منابع:

- ۱- ارجمندنیا، اصغر، ۱۳۸۰، "جای پای بوم‌شناختی، رهیافتی نو در ارزیابی تأثیر انسان بر محیط زیست" مجله مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۶.
- ۲- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تأکید بر ایران، نشر نی، تهران.
- ۳- افراخته، حسن، ۱۳۷۶، عوامل موثر در کمیت و کیفیت چای ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۹.
- ۴- افراخته، حسن، ۱۳۷۲، نقش نوغان داری در توسعه روستایی، مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی، دانشگاه اصفهان.
- ۵- بازن، مارسل، ۱۳۶۸، طالبش ناحیه‌ای قومی در شمال ایران، ترجمه مظفر امین فرشچیان، آستان قدس مشهد.
- ۶- توفیق، فیروز، ۱۳۷۲، "تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌های منطقه‌ای"، مجله آبادی، شماره ۱۰.
- ۷- جهاد سازندگی، ۱۳۶۲، طرح احیای تالاب انزلی، ضمیمه گزارش شماره ۲.
- ۸- حاتمی‌نژاد، حسین، ۱۳۸۰، "عدالت اجتماعی رکن اساسی توسعه پایدار شهری" مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۶.
- ۹- رهنمایی، محمد تقی، ۱۳۷۴، "کشاورزی گیلان"، کتاب گیلان، جلد سوم، گروه پژوهشگران ایران، صص ۱۷۰-۱۱۱.
- ۱۰- طالب، مهدی، ۱۳۶۷، "عوامل موثر در تقطیع اراضی و لزوم یکپارچگی زمین‌های واحد بهره‌بردار" رشد آموزش جغرافیا، شماره‌های ۱۱-۱۵.
- ۱۱- طالب، مهدی، ۱۳۶۸، مدیریت روستایی، جلد دوم، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- ۱۲- عظیمی دوبخشری، ناصر، ۱۳۸۱، تحولات اجتماعی- اقتصادی گیلان، نگاهی نو، رشت، نشر گیلکان.
- ۱۳- کردوانی، پرویز، ۱۳۷۴، اکوسیستم‌های ایران، دریای مازندران، تهران، نشر قومس.
- ۱۴- کلانتری، خلیل، ۱۳۸۰، برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تهران، انتشارات خوشبین.
- ۱۵- محمودی، فرج اله، ۱۳۶۸، سیمای طبیعی گیلان، گیلان، گروه پژوهشگران ایران.
- ۱۶- مهندسین مشاور سکرآ، ۱۳۴۲، طرح عمران دشت گیلان، ترجمه ابولقاسم اقطاعی، سازمان آب و برق منطقه سفید رود.
- ۱۷- وزارت نیرو، ۱۳۸۳، اداره اقلیم‌شناسی، گزارش‌های اقلیم‌شناسی مربوط به سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۹۵.

18- <http://aesop2005.tuwien.ac.at>

19- Wackernagel. M. and William E. Rees ,1995: Our Ecological footprint, Reducing human impact on the earth Rotledge.